

بسم الله الرحمن الرحيم

کلید واژگان: اراده، انشاء، حکم، تعریف حکم، شش تقریر حکم، حکم در لغت، ساختار اصول، اشکال بر ساختار مشهور اصول، حکم به معنای منع، کارایی سندی مقاصد شریعت

پرسش: راجع به مقام اراده، انشاء و جعل توضیح دهید

پاسخ: بحث اراده بیان شده و ما قصد طرح مباحث فلسفی و کلامی را در این موضوع نداریم اما در حد اصولی روشن شد که منظور همان معنای لغوی است علی وجه خاص یعنی اراده مولا از مکلف مبنی بر انجام یا ترک کاری. راجع به انشاء و جعل در آینده نزدیک صحبت خواهیم کرد

پرسش: اگر اراده سبب تکلیف است کما اینکه مبنای شما این است (البته نظر محقق خراسانی و محقق حائری هم این است) پس چه نیازی به انشاء وجود دارد؟

پاسخ: در بحث انشاء به این پرسش پاسخ داده می شود ولی اجمالاً اینکه تا انشاء صورت نگیرد مکلف متوجه اراده مولا نمی شود پس انشاء برای این است که اراده مولا کشف شود. بله گاهی اراده مولا مکشوف است حتی اگر بیانی نداشته باشد مانند مقدمه واجب که بیان شد آنجا هم به دلیل وجوب ذی المقدمه معلوم شده که مولا نسبت به مقدمه هم اراده وجوب دارد.

پرسش: در نموداری که شما بیان کردید، انتظار می رفت که یک دایره مخصوص فهمنده نص باشد (که می شود دفتر اول) و یک دایره بشود برای دفتر دوم و یک دایره بشود برای دفتر سوم ولی این دایره ها در نمودار شما مطابق این دفاتر نیست؟

پاسخ: ما در بیان ساختار اصول فقه هر چه را این ساختار می طلبد بیان می کنیم. ممکن است این ساختار با آن دفاتر سه گانه تفاوت داشته باشد به نحو عام و خاص من وجه. مثلاً بحث عام و خاص متعلق به دفتر اول است که وظیفه فهمنده را می گوید. اما در آنجا باید این بحث هم مطرح شود که مبینان شریعت نمی توانند الان یک عامی را بگویند و صد سال بعد خاص آن را بگویند برای مکلفی که می خواهد عمل کند. این بحث باید در بحث عام و خاص مطرح شود لذا در بحث عام و خاص هم وظیفه مبینان شریعت باید مطرح شود و هم وظیفه فهمنده نص. لذا ما جدول را با توجه به محور و اقتضائات مباحث تنظیم کرده ایم. البته اگر کسی بر اساس دفاتر سه گانه هم رفتار کند کار اشتباهی نیست.

پرسش: شما در حدود پانزده سال قبل برای نصوص مبین مقاصد شریعت، نقش سندی قائل نبودید و می گفتید که در کنار نصوص مبین احکام باید قرار گیرد تا آنها را تفسیر کند اما الان گویا در پی اثبات کارایی سندی نصوص مبین مقاصد شریعت هم هستید. آیا نظر شما تغییر کرده است؟

پاسخ: دو مطلب باید بیان شود. یکی اینکه ما در همان زمان هم به کارایی سندی مقاصد عقیده داشتیم اما به نحو فی الجمله منتهی چون می خواستیم در برابر کسانی که مقاصد بسند هستند موضع گیری کنیم، این استثناء را بیان نمی کردیم. مطلب دیگر اینکه می توان گفت نظر الان ما تکامل یافته نظر گذشته ماست به این معنا که در بخش هایی از فقه مانند فقه اجتماعی و فقه سیاسی و فقه

